

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۷/۲۱

جریان شناسی بیداری اسلامی با رویکرد تبلیغات انتخاباتی

سید رضا نقیب السادات^{*۱}

الهام اظهري^{*۲}

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله بر آن است تا پس از بیان مفهوم شناسی جریان بیداری اسلامی و اصول حاکم بر آن، مؤلفه‌های جریان بیداری اسلامی در کشورهای این حوزه را شناسایی کند و به معرفی برخی از اصول و زمینه‌های تبلیغات برای انتخابات در این کشورها بپردازد. به منظور اعتبار بخشیدن به یافته‌های این تحقیق، از دو روش مصاحبه عمقی و اسناد و مدارک علمی سود برده شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که برای دست یافتن به موفقیت در انتخابات این کشورها، می‌بایست در سه بعد فعالیت‌های انتخاباتی سازماندهی شود: ۱- در جهت آگاهی بخشی عمومی نسبت به مشارکت در انتخابات، ۲- در جهت آموزش مردمی، سازماندهی و انسجام بخشی فعالیت‌های انتخاباتی و ۳- در جهت تبلیغات موفق و کارآمدی تبلیغاتی.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، تبلیغات، انتخابات.

Email: naghibusadat@yahoo.com

*۱ ایمیل نویسنده ها

طرح موضوع

تغییرات دنیای جدید، تابعی از شیوه‌های اداره جامعه است و این اداره در دنیای معاصر با حضور مردم و اقتدار مردمی شکلی تازه یافته است. سال ۲۰۱۱ میلادی سال ظهور حرکت‌های اسلامی و تجلی اراده و قدرت مردم در رفع ظلم و مقابله با استیلای غرب و هژمونی استعمار فرا نو است. این جریان باهدف قرار دادن اصول اسلام و باور مردمی در کسب اختیار آغاز و به جریان پیشرو و همه‌جانبه تبدیل شد. دنیای امروز دنیایی شکل‌گرفته بر اساس خواسته‌های مردمی و انتظارات همگانی است. مطالباتی که مردم در دنیای امروز دارند خواسته‌های بر حقی است که سال‌ها به دلیل استیلای اقتدار حکومت‌های وابسته به غرب مورد سرکوب قرار گرفته است و امروز تجلی اراده مردم در حذف این استیلا در قالب حرکت بیداری اسلامی نمود پیدا کرده است. در این راستا برای به اقتدار رسیدن مردم باید انتخابات در این کشورها انجام‌شده و مردم به حاکمیت دست پیدا کنند.

انتخابات رقابتی آزاد و بخشی جدایی‌ناپذیر از دموکراسی است. این‌گونه انتخابات تنها فرصت‌های نهادینه یا متداولی هستند که شهروندان برای انتخاب حاکمان خود در اختیار دارند. چند هفته تبلیغات انتخاباتی این فرصت را در اختیار رأی‌دهندگان قرار می‌دهد تا در جریان دفاعیات سیاستمداران از سوابق خود، انتقاد آنان از رقبایشان و خط مشی‌های پیشنهادی آنان برای آینده قرار بگیرند. پیکار انتخاباتی، گرایش‌ها و تفکرات یک نظام سیاسی را روشن‌تر می‌کند و انتخابات نیز نظر رأی‌دهندگان را در زمینه گذشته و اولویت‌های آینده احزاب معلوم می‌کند. از این‌رو کیفیت انجام مبارزه انتخاباتی سیاستمداران و محدوده‌ای که آنان یک گزینش آگاهانه را در اختیار رأی‌دهندگان قرار می‌دهند، موضوع مهمی برای مطالعه و بررسی است. در این مقاله ضمن توجه به این مقوله بااهمیت به شرایط خاص تحولات منطقه‌ای اخیر در کشورهای اسلامی و شمال آفریقا در جریان بیداری اسلامی توجه می‌شود.

بیان ضرورت و اهمیت موضوع:

در این جا به دو ضرورت باید اشاره شود:

ضرورت و اهمیت نظری:

با اجرای این مطالعه امکان دستیابی به اصول نظری و علمی انتخابات فراهم می‌شود و می‌تواند شیوه‌های سازماندهی و اجرای فرایند انتخابات و تبلیغات انتخاباتی را به دست دهد.

ضرورت و اهمیت عملی:

با اجرای این بررسی زمینه‌های عینی و عملیاتی تبلیغات انتخاباتی به دست داده می‌شود و شرایط زمینه سازی موفقیت در انتخابات را فراهم می‌کند. آنچه که مورد تأکید است، این است که چه ملاحظاتی برای سازماندهی تبلیغات در کشورهای حوزه بیداری اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد تا امکان اقتداریابی مردم و نخبگان انقلابی در این کشورها فراهم شود. هدف از این کار شناخت شیوه‌های سازماندهی سیاسی^۵ اجتماعی برای پیروزی در انتخابات است و در آن از دو روش برای جمع آوری داده‌ها استفاده شده است، روش اول بررسی اسناد و مدارک علمی **Archival Method & documents** با تکنیک فیش برداری توصیفی و تحلیلی است و دیگری روش مصاحبه عمقی **Intensive Interview Method** با تکنیک مصاحبه نیمه هدایت شده است. جامعه آماری این مطالعه را اساتید و صاحب نظران حوزه علوم سیاسی و ارتباطات دانشگاه‌های کشور تشکیل می‌دهند. با توجه به این که ارائه نتایج به شکل تفصیلی در این مختصر نمی‌گنجد، صرفاً اطلاعات به شکل توصیفی ارائه شده است، امید است بتوانیم در مجال گسترده‌تر یافته‌های تفصیلی آن را در قالب جداول آماری به همراه توصیف ارائه دهیم.

تدارک نظری بحث

مفهوم شناسی بیداری اسلامی

بیداری به معنای حیات و زندگی است و نیز به معنای فعال شدن هوش (آگاهی) به کار می‌رود و اسلامی به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه‌های برترین دین الهی است. در نتیجه، بیداری اسلامی به معنی حیات برتر (برین) و یا تلاش برای دستیابی به آن است و این حیات، تنها از دین، قابل دریافت است، زیرا خدا به انسان و جهان حیات بخشیده و پیامبرش ما را به آنچه زنده می‌کند، فرامی‌خواند. به بیان دیگر، بیداری اسلامی زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل و تجدید حیات اسلام معنا می‌دهد که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی، بار دیگر زنده می‌شود و یا حیات می‌یابد. (فرقانی، ۱۳۸۶)

۱- تحولات تاریخی و ریشه‌های بیداری اسلامی

به منظور مرور تاریخچه حرکت بیداری اسلامی، بهترین مطلب قابل ارائه که به شکل موجز به این موضوع پرداخته است، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در این خصوص، در همایش بیداری اسلامی است.

«شک نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفت‌ها و تجربه‌ها است. در صد و پنجاه سال اخیر حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان ساز اسلامی در مصر، عراق، ایران، هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا، پیش‌زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلام‌اند.

هم چنان که تحولات دهه‌های پنجاه و شصت میلادی در تعدادی از این کشورها که به رژیم‌های غالباً متمایل به تفکرات و ایدئولوژی‌های مادی منتهی شد و به اقتضای طبیعت خود پس از چندی در دام قدرت‌های استکباری و استعماری غرب گرفتار آمد، تجربه‌های درس‌آموزی‌اند که سهم وافری در شکل دادن به اندیشه عمومی و عمیق کنونی دنیای اسلام دارند.»

«حاصل آن که حقایق رو به افزایش کنونی در دنیای اسلام، حوادث بریده از

ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های اجتماعی و فکری نیستند تا دشمنان یا سطحی‌نگران بتوانند آن را موجی گذرا و حادثه‌ای در سطح بینگارانند و با تحلیل‌های انحرافی و غرض‌آلود، مشعل امید را در دل ملت‌ها خاموش سازند.» (بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس بیداری اسلامی، مهرماه ۱۳۹۰)

جریان بیداری اسلامی در مواجهه با عملکرد استعمارگران در طول دهه‌های قبل شکل گرفته است، این جریان جریانی مردمی، ضد استعماری، آزادی‌گرا و مبتنی بر ارزش‌های دینی است که سابقه‌ای دیرینه دارد، شاید بتوان سرخ‌های این جریان را در مواجهه‌های پیشین با غرب دنبال کرد؛ مواجهه با غرب در چند شکل، علنی شد:

- پذیرش کامل غرب
- ستیز نظامی با غرب
- جریان اتحاد اسلام و بیداری اسلامی

آنچه در دوران اخیر نیز شاهد آن هستیم، عملکرد رسانه‌های کشورهای اسلامی و رسانه‌های بی‌طرف^۵ به خصوص با ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی^۶ در راستای هوشیارسازی جوامع مختلف و از جمله جوامع اسلامی نسبت به شرایط حیات اجتماعی بدون حضور اقتدار غربی است.

سیر تحول وسایل ارتباطی، عمدتاً با تأکید بر کار ویژه‌های هر یک از رسانه‌ها و در دوره‌های مختلف بوده است. اولین رسانه‌های جمعی متولد شده و اداره‌کنندگان آن‌ها، جنبه‌های اطلاع‌رسانی را مقدم بر دیگر نقش‌ها و کارکردهای رسانه می‌دانستند. این تفکر تا دوران معاصر ادامه می‌یابد و کارکرد اصلی فعالیت‌های رسانه‌ای را در قالب عملکرد خبری به نمایش می‌گذارد. اما تحولات اجتماعی اهمیت این نقش‌آفرینی را چند برابر می‌کند. نگاهی به تحولات پس از دوران رنسانس و تلاش غرب برای احیای حیات علمی و فرهنگی یونان قدیم، کاهش اقتدار کلیسا، رفرم و حرکت‌های ضد رفرمیستی، تحولات جمعیتی، افزایش شهرنشینی، تغییر در نرخ رشد جمعیت، کاهش مرگ و میر، پیدایش شهرهای جدید، توسعه تجارت، از آن جهت اهمیت دارد که عطش کسب اخبار در غرب را به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد، رنسانس و سپس رفرم بر کنجکاو‌های کسب اخبار افزودند، کشفیات بزرگ، افق فکری اروپاییان را وسعت

بخشید و همچنین پیشرفت مبادلات بازرگانی و بانکی باعث رونق مبادلات خبری نیز شد. دولت‌های جدید برای امور اداری خویش به ایجاد شبکه‌های خبری جدید نیاز داشتند.

علاوه بر نیازهای خبری جدید، ایجاد مراکز پستی جدید، ظهور دولت‌های بزرگ، بالا رفتن امنیت و نظم، تولد صنعت چاپ به طور نسبتاً وسیعی باعث توسعه فرایندهای خبرگیری و خبر دهی شد.

با توسعه صنعت چاپ، باز تولید سریع نوشته‌های خبری میسر شد. پیدایش رسانه‌های جدیدتر، فرایندهای عمل رسانه‌ای را پیچیده‌تر، و حجم تولیدات رسانه‌ای را بالا برد و با افزایش کنترل، سهم توجه به اخبار نیز بالا رفت. البته با تحولات اجتماعی پدیدار شده و همچنین تحولات رسانه‌ای، کارکردها و نقش‌های اولیه رسانه‌های جمعی تغییر عمده‌ای نکرد. وظایف اجتماعی و کارکردهای وسایل ارتباط جمعی نظیر وظیفه هدایت و راهنمایی، وظیفه خبری و آموزشی و وظیفه تفریحی و تبلیغی، همچنان مورد تأکید بود، اما دامنه این نقش‌ها توسعه یافت و رسانه‌ها تبدیل به ابزاری برای جنگ‌افروزی و نقش جنگ‌طلبانه شدند. (معمد نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۸)

پوشش رسانه‌ای رسانه‌های جمعی و رسانه‌های مدرن زمینه‌های مختلف حیات اجتماعی را در بر می‌گرفت، اما شیوه سازماندهی و ارائه و حجم این اخبار به شدت از ایدئولوژی سلطه مدار غرب تبعیت می‌کرد.

آن‌ها خود را به عنوان آفرینندگان رسانه‌ها و مبدع این فن‌آوری محق می‌دیدند تا سهم اخبار را به نفع خود و جریان ارائه را از غرب به شرق و نوع اخبار را مثبت به نفع خود و منفی به نفع غیر جلوه دهند. این عمل رسانه‌ای نابرابری‌های گوناگونی را در عرصه عمل رسانه‌ای پدید آورد و باعث ظهور رسانه‌های خبری آزاد و غیر وابسته به نظام سرمایه‌داری غرب شد و محصول فعالیت ایشان پوشش بدون غرض و صادقانه اخبار در جهان شد.

این امر زمانی رخ داد که غرب از تغییر در استراتژی‌های نفوذ خود در شرق خبر می‌داد و راه‌های جدید سلطه را به اجرا گذارده بود. در این وادی، حرکت‌های انقلابی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و دیگر مناطق جهان، به تبعیت از انقلاب اسلامی و افزایش تمایلات ضد امپریالیستی و ضد غربی، راه انقلاب

اسلامی ایران و حضرت امام خمینی(ره) را در پیش گرفته بودند و از تحولات عمیق در باور، اندیشه و نظام حاکم در کشورهای خویش خبر می دادند. رسانه‌های بی طرف و مستقل و همچنین رسانه‌های کشورهای اسلامی آزاد این جریان انقلابی و بیداری مسلمانان جهان برای رهایی از سلطه غرب را پوشش خبری دادند. (نقیب السادات، ۱۳۹۰، ص ۷)

۱-۱ مواجهه شرق با غرب:

جریان استعمار و نفوذ غربی‌ها به اعتبار آبادانی خواهی برای شرق و مدرن سازی جوامع سنتی، سرابی را تحت عنوان تجددخواهی در مقابل کشورهای اسلامی در حال توسعه قرارداد. استعمار با غارت شرق به دلیل منابع غنی، کانی و نیروی کار ارزان و...، نه تنها ثروت زیادی کسب کرد، بلکه با دخالت در اداره این جوامع سلطه سیاسی و فرهنگی خود را جا انداخت.

تاریخچه شکل گیری استعمار نشان می دهد که آبادانی خواهی غرب به نام استعمار با اهداف و مقاصد گوناگونی دنبال می شده است:

- دستیابی به مواد خام ارزان قیمت
- نیروی کار ارزان قیمت
- بازار فروش کالاهای صنعتی و کشاورزی
- حاکمیت و اقتدار بر مناطق جدید تحت نفوذ (به دلیل وجود حکومت‌های نالایق)

همچنین این استعمار ابعاد گوناگونی یافت:

- ۱- استعمار کهنه (استعمار مستقیم)
- ۲- استعمار نو (استعمار غیرمستقیم)
- ۳- استعمار فرا نو (ترکیب هر ۲ نوع استعمار گذشته)

در استعمار کهنه که به شکل مستقیم کشورهای شرقی یا در حال توسعه یا به تعبیر آلفرد سووی «جهان سوم» با ضرب و زور نظامی فتح می شود و برای بهره برداری از نیروی کار ارزان قیمت، مواد اولیه و خام فراوان و بازار فروش پر رونق به استثمار کشیده می شوند. در این نوع از استعمار قدرت نظامی حرف اول را می زند:

- تهدیدها از نوع تهدید سخت بود
- لشکرکشی و کشتار موجه و بیشتر دلیل قدرت بیشتر بود
- برای استعمارگران پر هزینه بود
- سرزمین‌ها فتح می‌شدند و حاکمیت مستقیم بر آنها اعمال می‌شد
- استعمار کهنه‌ترین سابقه را برای به انقیاد کشیدن کشورها دارد
در استعمار نو که به شکل غیرمستقیم صورت می‌گرفت، راه نفوذ، راه فرهنگی است و از طریق «تخدیر فرهنگی» جوامع تحت سلطه قرار می‌گرفتند، مهمترین ابزار نفوذ در این نوع از استعمار ابزار رسانه‌ای است.
«ادگار موران» جامعه‌شناس فرانسوی در خصوص دلیل پدیدار شدن این نوع از استعمار می‌گوید: چون شیوه استعمار کهنه منجر به این می‌شد که ابر قدرت‌ها به حریم یکدیگر تجاوز کنند، به فکر افتادند تا مانع این امر شوند و از سوی دیگر به دنبال چاره‌ای بودند تا منافع ایشان ابدی شود، لذا راه استعمار نو و شیوه غیرمستقیم را پذیرفتند.
استعمار فرانو که شکل جدید استعمار در دنیای مدرن است، از دو گونه قبلی شکل گرفت و دارای ساز و کارهای خود برای نفوذ در کشورها بود. ابزار اصلی در این نوع از استعمار همچنان رسانه‌ها بودند، اما با قابلیت‌های گسترده‌تر و نفوذ بیشتر. (نقیب السادات، ۱۳۸۹)
در این میان وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم موجب افول قدرت اروپا و انتقال مرکز ثقل قدرت جهان گردید. پایان جنگ جهانی دوم مصادف با آغاز شکل‌گیری نظام دو قطبی بین‌المللی و ظهور دو ابرقدرت جدید یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) بود. این تغییر و تحول جهانی به دگرگونی روابط کشورهای اروپایی با مستعمرات خود انجامید.
تلقی اکثر کشورهای تحت نفوذ این بود که چون غربی‌ها به توسعه دست یافتند و وارث نظامی آزاد و رسانه‌های جمعی قدرتمند و فعال‌اند و از ارکان دمکراسی محسوب می‌گردند، اگر ما نیز راه ایشان را طی کنیم به همان نتیجه‌ای می‌رسیم که ایشان رسیدند و اگر رسانه‌های جمعی نظیر ایشان داشته باشیم، مسائل ما نیز همچون مسائل ایشان حل شده و اوضاع رو به بهبود می‌رود. توجه نکردیم که اقتباس و طلب مساعدت برای توسعه و در اصطلاح دمکراسی سیاسی

مقدمه استعمار و سلطه غربی است. (معتمد نژاد، ۱۳۷۰)

ساده‌انگاری در دستیابی به توسعه برای شرق، بی‌توجهی به شرایطی که غربی‌ها پس از دوران رنسانس داشته‌اند و کم توجهی به عناصر توسعه خودجوش و بومی، شرایطی را رقم زد که نفوذ استعمار و سلطه سرمایه، همه ابعاد حیات اجتماعی جوامع در حال توسعه و به خصوص، کشورهای اسلامی را تحت تأثیر قرارداد.

در دیباچه کتاب «نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب»، اثر عبدالهادی حائری آمده است: «تاریخ در حالی واپسین سال‌های عصر روشنگری اروپا را می‌آزمود و به سال‌های آغازین سده ۱۹ گام می‌گذاشت که بورژوازی نوپای اروپا با انقلاب‌های اجتماعی، فکری، علمی، صنعتی و سیاسی، خود برتریش را به نمایش می‌گذارد؛ در این هنگام بود که سراسر جهان با تمدن بورژوازی غرب، که دارای دو رویه نیرومند و پرتکاپو بود و از رشد همه سویه نیروهای طبقه سوم ریشه می‌گرفت، به شیوه‌ای گریز ناپذیر رویاروی گردید. این دو رویه عبارت بود از:

۱- رویه دانش و کارشناسی تمدن بورژوازی غرب

۲- رویه استعماری تمدن بورژوازی غرب» (حائری، ۱۳۷۸، ص ۱۷)

دکتر کاظم معتمد نژاد نیز در مقاله «بررسی ریشه‌های تاریخی سلطه ارتباطی غرب در شرق» می‌گوید: «استعمار مانع صنعتی شدن یا رشد سرمایه‌داری ملی در کشورهای شرق بود و برای حفظ منافع خود از نظام‌های استبدادی حمایت می‌کرد.» (معتمد نژاد، ۱۳۷۲، ص ۶)

این وضعیت مختص ایران به تنهایی نبود، زیرا ظواهر فریبنده غرب، همه کشورها را فریفته بود و امکان شناخت ماهیت نظام‌های حاکم بر غرب را از ایشان گرفته بود. غرب با دمکراسی ظاهری و پیشرفت‌ها و دستاوردهای صنعتی، در واقع ارمغانی جز وابستگی برای کشورهای شرقی نمی‌توانست به همراه بیاورد.

هنگامی که امکانات و ابداعات شرقی از طریق سیاحان غربی به غرب انتقال یافت، این امکانات دستمایه حرکت غرب به سمت شرق قرار گرفت.

(نقیب‌السادات، ۱۳۸۹، قبلی)

کنت گالبرایت در کتاب *آناتومی قدرت* در ذیل جهان پیش از سرمایه‌داری

می‌گوید: «تاریخ معمولاً عبارت است از شرح اعمال قدرت امپراتوران، شهپریان، کلیساها، دیکتاتورهای، دموکراسی‌ها، سرداران و سپاهیان، سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ».

«به همین سیاق تاریخ را می‌شود، درباره منابع قدرت و ابزارهای اعمال قدرت نوشت. در این صورت تغییر تاریخی عبارت خواهد بود از تغییر نقش‌های نسبی شخصیت، مالکیت، سازمان و مجازات کیفری، پاداش تشویقی و مظاهر صریح و ضمنی قدرت شرطی، نگارش تاریخ به این صورت خالی از پیچیدگی نخواهد بود. ولی در ظهور جامعه صنعتی جدید و اسلاف آن نمودارهایی کلی دیده می‌شوند که همین عناصر یاد شده را نشان می‌دهند.» (گالبرایت، ۱۳۷۱، ص ۸۳)

این امکانات در کنار تفکر غلبه بر دیگران عاملی برای استیلا و سلطه شد. اما آنچه حائز اهمیت است، آن است که در مقابل غرب، شرقی‌ها عکس‌العمل‌های مختلفی از خود نشان دادند. به طور کلی در برخورد با غرب از اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹، سه نوع عکس‌العمل ۱- کسالت‌آمیز و شیفته‌گرانه ۲- مقاومت جویانه و طردکننده ۳- بیدارگرانه و اتحاد خواهانه، در کشورهای بزرگ اسلامی به وجود آمده است.

عکس‌العمل مسالمت‌جویانه و شیفتگی‌آمیز، از سوی زمامداران ترکیه عثمانی، مصر، ایران دوره قاجار و پهلوی و کارگزاران سیاسی و نظامی و فرهنگی این کشورها، در مقابل گسترش سلطه روس، انگلیس، فرانسه و سایر دولت‌های اروپایی آغاز شد.

مقابله دوم، مقابله مقاومت‌آمیز و تخاصمی است که از طرف برخی از رهبران مذهبی اسلامی، در برابر تهاجم‌های جدید اروپائیان علیه سرزمین‌های آسیایی و آفریقایی صورت گرفت. این برخورد نظیر مقابله مسلمانان علیه حملات مسیحیان در جنگ‌های صلیبی بود و به ماهیت استعماری آن، توجه و وقوفی که در جریان‌های بیداری اسلامی امروز وجود دارد، آگاهی وجود نداشت. (معتمد نژاد، ۱۳۷۰، ص ۷)

سومین نوع مقابله با تهاجم‌های استعمارگران غربی، نهضت احیا و اتحاد اسلام است. در شرایط تجددخواهی دسته اول و شکست عملیات مسلحانه دسته دوم، برخی از اندیشمندان مسلمان تصمیم گرفتند با تکیه بر ضرورت احیای مذهبی و

وحدت اسلام در برابر تهاجم اسلامی به مقابله برخیزند. در میان هواداران این گرایش، مقام سید جمال‌الدین اسدآبادی از همه ممتازتر است. (همان)

بنابراین، این وضعیت در کشورهای مختلف شرایط ویژه‌ای فراهم آورد. برخی در همراهی با غرب وابستگی کامل را پذیرفته، سال‌ها تحت انقیاد غرب جریان صنعتی شدن را دنبال می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی از آن جا که ایران این سلطه را شکست و خود را از انقیاد غربی‌ها رها نمود، در جریان تغییر فناورانه در ابتدا دشواری‌های زیادی را تحمل نموده، اما استقلال طلبی و اتکای به توان بومی محدودیت‌های اقتدار صنعتی غرب را شکست.

ظهور امپریالیسم به عنوان آخرین مرحله رشد سرمایه‌داری فرایندهای نفوذ را گسترده‌تر و توسعه یافته‌تر کرد.

در اصطلاح سیاستمداران آسیا و آفریقا امپریالیسم اغلب به معنای تسلط سیاسی است و مفهوم اقتصادی آن را در کلمه استعمار می‌جویند. به هر حال مفهوم امپریالیسم با مفهوم استعمار پیوندی نزدیک و جدانشدنی دارد. (آشوری، بی‌تا، ص ۳۶)

مفهوم استعمار امروزه با مفهوم امپریالیسم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً اعمال قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود، یعنی همان طور که یادآور شدیم قدرتی که می‌خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند. از این‌رو، دو اصطلاح استعمار سرخ و استعمار سیاه پدید آمده است که نخستین آن اشاره به سیاست توسعه‌طلبی اتحاد شوروی سابق و دومین آن اشاره به توسعه‌طلبی‌های امپریالیستی غرب دارد. به همین قیاس، پاکستانی‌ها، در مورد کشمیر، از امپریالیسم قهوه‌ای یعنی امپریالیسم هندی نام‌برده‌اند. (همان)

وجه دیگر این امپریالیسم، امپریالیسم ارتباطی و خبری است. در دهه ۱۹۷۰، راجع به امپریالیسم ارتباطات و وسایل ارتباطی مطالعات فراوانی دنبال گردید. «اولیور بوید - بارت» در این باره چنین بیان داشته است که امپریالیسم وسایل ارتباطی، شکل‌های گوناگون فعالیت بین‌المللی این وسایل را که معرف چگونگی اعمال نفوذ آن‌هاست، در بر می‌گیرد. این نفوذ گذاری به دو عامل غیرعادی برمی‌گردد: یک جهتی بودن جریان بین‌المللی ارتباطات و دیگری، محدود بودن تعداد کشورهای صاحب نفوذ است. به نظر می‌آید که امپریالیسم ارتباطی با هجوم

فرهنگی و عدم تعادل منابع قدرت ارتباط تنگاتنگی دارد و به کار بردن واژه امپریالیسم در مورد وسایل ارتباطی را توجیه می‌کند. «یوهان گالتونگ» معتقد است که امپریالیسم ارتباطی به امپریالیسم فرهنگی می‌انجامد.

کانون‌های امپریالیسم خبری با شیوه‌های مختلف، با تبلیغ شیوه‌های زندگی غربی و مهیا کردن زمینه‌های از خود بیگانگی فکری و هویت باختگی، آثار و عوارض نامطلوبی را در کشورهای جهان سوم پدید می‌آورند و سلطه فرهنگی بر آن‌ها را تثبیت می‌کنند. غول‌های خبری، با در اختیار داشتن سرمایه‌های هنگفت، تجهیزات پیشرفته مخابراتی، ارتباطات ماهواره‌ای، رایانه‌های مدرن و خبرنگاران زبده در پوشش حمایت‌های سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه‌داری و کمک‌های سازمان‌های جاسوسی بر جریان اطلاعات و اخبار خصوصاً در کشورهای در حال توسعه سلطه کامل دارند.

گاهی اوقات به دلیل نامرئی بودن تهاجم فرهنگی غرب، کشورهای جهان سوم به استقبال رفته و به آن‌ها کمک می‌کنند.

از آن جا که عمده رسانه‌ها در غرب شکل می‌گیرند یا از سوی کشورهای غربی مدیریت و هدایت می‌شوند، جهانی که به تصور می‌کشند نیز جهانی است، مطابق میل سیاستمداران و ثروتمندان غرب. مسأله تحولات خاورمیانه و انقلاب مردم در بسیاری از کشورهای این منطقه و جریان بیداری اسلامی، یکی از مهم‌ترین مقولاتی است که این رسانه‌ها به تصویر می‌کشند؛ تصویری غیرحقیقی و مخدوش. رسانه‌ها در موارد بسیاری، آلت دست دولت‌ها یا نخبگان سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرند که می‌خواهند به بهره‌کشی خود بیافزایند و اعمال خود را پنهان نمایند.

ادوارد اس. هرمن و نوآم چامسکی اعتقاد دارند که آنچه در اخبار وسایل ارتباط جمعی آمریکا وجود دارد، یک بازار هدایت شده خبری است، نه یک بازار آزاد خبری. پژوهش‌های «جرج گربنر» و «جرج هروانی» نشان می‌دهد که سلطه خبری باعث مخابره نشدن خبرهای مربوط به پیشرفت‌های جهان سوم می‌شود و تصویری که از جهان سوم ارائه می‌شود، تصویری سرشار از خشونت، بی‌نظمی، نقض حقوق بشر و غیرمنطقی جلوه دادن آن‌هاست. (نقیب السادات، ۱۳۹۰، ص ۱۱)

تحقیقات کاپلان درباره رسانه‌های آمریکایی به ویژه در امر پوشش دادن رویدادهای جهان رو به توسعه، حکایت از یک نارسایی عمومی در حجم، میدان و نوع خبرهای منتشر شده داشت. تحقیقات دالگرن نشان‌دهنده آن است که گزارش‌های شبکه‌های خبری تلویزیون آمریکا از کشورهای جهان سوم، انگاره سازی‌های متراکمی می‌کند. برای آن‌ها این ضرورت است که تاریخ تحریف شود. (همان)

ادوارد سعید در مقاله اسلامیان و غربیان این‌گونه به مقوله اسلام و غرب می‌پردازد:

«مشرق زمین در حالی بخش پست‌تر جهان قلمداد می‌شود که از موهبت وسعت پهناورتر و پتانسیل بیشتری برای قدرت نسبت به غرب برخوردار بوده است. از این‌رو، اسلام همیشه متعلق به مشرق زمین در نظر گرفته شده است و نگاه به آن، با دشمنی و ترس همراه بوده است. البته برای این وضعیت، دلائل سیاسی، روان‌شناختی و مذهبی می‌توان برشمرد، ولی همه این دلائل از برداشتی نتیجه می‌شود که اسلام را رقیبی وحشتناک و چالش‌آخرازمان در برابر مسیحیت می‌داند.»

۲- اصول بیداری اسلامی

رهبر معظم انقلاب، در بیانات خود در اجلاس بیداری اسلامی که زمانی پیش در تهران برگزار شد، به نکاتی اشاره فرمودند که لازم می‌بینیم تا به اصول مطرح‌شده از طرف ایشان در ابتدای کار اشاره شود:

هویت و اصول قیام مردمی

- حوادث با ریشه‌های تاریخی اجتماعی و فکری
- حضور واقعی و عمومی مردم در میدان عمل و صحنه مبارزه و جهاد (عمومی بودن)
- احیا و تجدید عزت و کرامت ملی
- برافراشتن پرچم اسلام و برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت
- ایستادگی در برابر نفوذ آمریکا و اروپا
- مبارزه با رژیم صهیونیستی

مخاطرات (درونی و بیرونی)

- راحتی تصور ناشی از حس پیروزی و کم شدن انگیزه‌ها و عزم‌ها
- تلاش افراد برای به دست آوردن غنیمت و تصاحب سهم
- احساس ترس از آمریکا و دیگر کشورهای مداخله‌گر
- اعتماد به دشمن و در دام وعده و حمایت‌های آن‌ها افتادن
- مغرور شدن و از دشمن غافل شدن
- ایجاد اختلاف بین انقلابیون
- روی کار آمدن عوامل متعهد به آمریکا و غرب (از طریق مدل‌های حکومتی و قانون اساسی یا هرج و مرج و جنگ داخلی)
- عدم شناخت پیچیدگی‌های سلطه طلبانه

راه کارها

- توکل به خدا و حسن ظن به وعده‌های الهی
- خود را همیشه در صحنه بدانید
- همیشه خدا را حاضر و کمک کار خود بدانید
- بازخوانی دائمی اصول و مبانی اسلامی انقلاب (استقلال، آزادی، عدالت خواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد، نفی تبعیض‌های قومی، نژادی و مذهبی، نفی صهیونیسم)
- اصولتان را روی کاغذ بنویسید؛
- اصالت‌های خود را با حساسیت بالا حفظ کنید، نگذارید اصول نظام آینده شما را دشمنان شما بنویسند؛
- هرگز به انگلیس و فرانسه و ایتالیا اعتماد نکنید؛
- راه‌حل‌های خود را با بهره‌گیری از سرچشمه فیاض اسلام به دست آورید؛
- از اختلاف مذهبی، قومی، نژادی، قبیله‌ای و مرزی پرهیز کنید؛
- به رسمت شناختن تفاوت‌ها و مدیریت آن‌ها را مدیریت کنید؛
- تفاهم میان مذاهب کلید نجات است؛
- نظام سازی/ پرهیز از الگوهای لائیک، مارکسیست، ناسیونالیسم و لیبرالیسم

- اسلام‌گرایی با تحجر یکی انگاشته نشود.

۳- زمینه‌ها و هویت قیام در کشورهای حوزه بیداری اسلامی

- اساس و مانیفست قیام، برگرفته از اصول اسلام و ارزش‌های دین اسلام
- ریشه‌های تاریخی و فکری قیام
- حضور واقعی و عمومی مردم در میدان عمل، صحنه مبارزه و جهاد (عمومی بودن)
- احیا و تجدید عزت و کرامت ملی
- برافراشتن پرچم اسلام و برخورداری از امنیت روانی، عدالت و پیشرفت
- ایستادگی در برابر نفوذ آمریکا و اروپا
- مبارزه با رژیم صهیونیستی

۴- تحولات اخیر در زمینه بیداری اسلامی و انقلاب مردمی در کشورهای حوزه بیداری اسلامی

تحولات زیادی، شرایط امروز در منطقه خاورمیانه و کشورهای شمال آفریقا را رقم زده است. بررسی تاریخی تحولات نیم‌قرن گذشته جهان و نگاهی به رویدادهای مقطعی و جنگ‌هایی که در این سال‌ها به وقوع پیوسته، می‌تواند به درک تحولات پرشتاب اخیر خاورمیانه کمک کند. در آخرین سال دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد شاهد چهار تحول عمده دیگر در عرصه جهانی بودیم:

۱- پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۲- تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران

۳- اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی

۴- تجاوز عراق به ایران

این چهار تحول بزرگ که به دلایل مختلف مرتبط باهم بودند، از یک سو پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از جنبه ضد استبدادی، اولین حرکت انقلابی بر اساس اندیشه اسلامی در جهان محسوب می‌شد. در بعد ضد استعماری آن، حرکت تسخیر لانه جاسوسی اَبهت ساختگی آمریکا را شکست. از سوی دیگر وارد شدن ابرقدرت کمونیستی شوروی در باتلاق افغانستان که در یک دهه بعد موجب

فروپاشی آن شد و در نهایت تجاوز نظامی صدام و ارتش عراق که فصل جدیدی را برای مداخلات آمریکا در منطقه فراهم کرد، تأثیرات بسیار عمیقی بر تحولات بعدی خود در عرصه جهانی داشت. (بهشتی پور، ۱۳۹۰)

در آخرین سال دهه ۸۰ نیز پس از سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹، جهان شاهد فروپاشی نظام‌های دیکتاتوری در کشورهای شرق اروپا بود. به طوری که ظرف چند ماه، هفت حکومت آهنین بلوک شرق سقوط کرد. در فاصله کوتاهی در دسامبر سال ۱۹۹۱ شوروی و در پی آن یوگسلاوی دچار فروپاشی شدند که در نهایت نظام دو قطبی در جهان از بین رفت و پس از پنج دهه دوران جنگ سرد به پایان رسید.

در آغاز هزاره سوم میلادی در شرایطی که آمریکا در صدد طراحی جهان تک قطبی بود، حمله به برج‌های دو قلوی آمریکا و در پی آن حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و عراق در سال ۲۰۰۳ تحولات عظیمی را در عرصه نظام بین‌الملل ایجاد کرد. این تحولات در پی فروپاشی شوروی جهان را وارد دوران گذار به نظم نوینی کرد که دیگر نه ساخته ابرقدرت‌ها، بلکه ساخته ضرورت‌هایی است که مردم کشورهای تحت ستم آن را رهبری می‌کنند. تمامی این تحولات از لحاظ ماهیتی نه یک پروژه ساخته‌شده توسط قدرت‌ها بلکه تحولات ناشی از توازن جدیدی است که در کشورهای جهان در حال شکل گرفتن است. (بهشتی پور، ۱۳۹۰)

اکنون در آغاز دهه دوم هزاره سوم میلادی خاورمیانه و کشورهای شمال آفریقا به عنوان مرکز ثقل توازن بین‌المللی دست‌خوش تغییراتی شده است که ناشی از خواسته‌های متراکم شده مردم تحت ستم این کشورها در طول چند دهه گذشته است. از لحاظ شیوه مبارزاتی نیز، مردم این کشورها با عقب گذاشتن رهبران احزاب و گروه‌های مبارز، با حضور مستقیم در خیابان‌ها رودررو با ارتش‌های وابسته به حاکمان دیکتاتور، قرار گرفته‌اند. این تحول بدون تردید موجب کاهش نفوذ و اقتدار سلطه‌گران می‌شود. زیرا ویژگی مهم این تحولات اولاً آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی در کنار مقابله با وابستگی رژیم‌های مستبد حاکم بر این کشورها است. این تمایل عمومی موجب شده است حرکت‌های موجود، ماهیتی غیر وابسته و استقلال طلبانه داشته باشند. در چنین شرایطی قدرت‌های

سلطه‌جویی مانند آمریکا در تکاپو برای از دست ندادن منافع خود هستند. (بهشتی‌پور، ۱۳۹۰) در این وادی پوشش این جریان ضد استبدادی و ضد امپریالیستی از طریق رسانه‌های خبری دنیای اسلام و همچنین رسانه‌های بی طرف، نوید بخش شکل‌گیری جریان بیداری اسلامی در منطقه و در جهان است. رسانه‌های فراگیر خبری با هوشیار سازی و ایجاد آگاهی از تحولات منطقه و رخدادهای کشورهای قیام‌کننده و گزارش صادقانه و عینی از تحولات شکل‌گرفته، مسئولانه در چارچوب نقش واقعی خود عمل می‌کنند.

حرکت‌های صورت گرفته در این منطقه از تونس آغاز شد و در پی آن کشورهایی چون مصر، یمن، بحرین، و لیبی ادامه‌دهنده آن بودند، این امر آمریکا و اروپا را نگران وقوع انقلاب‌های اسلامی در این ناحیه از جهان کرده که در پی آن طرح خاورمیانه بزرگ نیز با شکست رو به رو می‌شود و در پی آن بی‌تردید این انقلاب به تحولی بنیادین در منطقه خاورمیانه منجر خواهد شد.

از جمله این کشورها برای نمونه می‌توان به کشور بحرین اشاره کرد که در آن جمعیت شیعیان وفاق اسلامی، یکی از بزرگترین گروه‌های معترض است که در اعتراضات صورت گرفته نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. در این کشور حدود ۱۵ حزب وجود دارند که اعضای آن‌ها شیعه، سنی، ملی‌گرا، سکولار، بعثی و... هستند. با وجود محدودیت‌های بسیاری که در مسیر تأسیس احزاب برای مخالفین حکومت بحرین وجود دارد، گروه‌های معارض شیعی نیز تحت لوای جمعیت‌های سیاسی مطالبات خود را پی‌گیری می‌کنند. در این میان جمعیت الوفاق اسلامی یک تشکل جدی و نسبتاً منسجم در بحرین محسوب می‌شود که نقش به‌سزایی در سازماندهی اعتراضات اخیر داشته است. استعفای دسته‌جمعی فراکسیون اکثریت الوفاق در مجلس مشورتی این کشور به نشانه اعتراض به برخورد خشن حکومت با جماعت تظاهرات‌کنندگان در هفته‌های اولیه اعتراضات، دلالتی بر این مدعا است که شیعیان در مقایسه با دیگر احزاب و گروه‌های سیاسی، نقش مهم‌تری در اعتراضات اخیر در بحرین داشته‌اند. از آن جا که اکثریت مردم بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند، این حزب به عنوان نماینده این قشر از مردم مسئولیت خود را در جریان این اعتراضات به خوبی به انجام رسانده است. بنیان‌گذاران این حزب یک‌صد تن از علمای بحرین بوده‌اند که اصلی‌ترین آن

دکتر سعید شهابی است و در حال حاضر در لندن زندگی می‌کند. این جنبش‌های شیعیان بحرین را می‌توان جنبشی متغیر بین دو حالت انقلابی و اصلاحی برشمرد که نحوه برخورد حکومت بحرین و مخالفان در این کشور بر حرکت افراطی و یا اصلاحی آن تأثیر خواهد گذاشت. کشور دیگری که در این تحولات منطقه‌ای انقلاب بزرگی را تجربه کرد، لیبی است. این کشور در پی نامه برخی از شخصیت‌های سیاسی و حقوقی لیبی که خواستار کناره‌گیری معمر قذافی و اعضای خانواده‌اش شده بود، وارد درگیری‌های خیابانی و در نتیجه انقلاب شد. این بیانیه توسط ۲۱۳ نفر از شخصیت‌های سیاسی، وکلا، دانشجویان، هنرمندان، متخصصان، بازرگانان، مهندسان و پزشکان امضا شده بود که در آن، خواستار به رسمیت شناختن حق ملت‌ها در تلاش برای استقرار دموکراسی و آزادی عقیده به سوی تغییر در لیبی که وقوع آن حتمی است، شده بودند.

شورای ملی انتقالی لیبی پس از سقوط قذافی پرچم سال‌های قبل از حکومت قذافی یعنی پرچم زمان استقلال و رهایی لیبی از استعمار اروپایی را انتخاب کرده است. این پرچم متعلق به فرقه بزرگ و جهادی ادريس سنوسی است که گویای دیدگاه مردم لیبی و اعضای شورای انتقالی به دوران زمام‌داری این فرد است. فرقه سنوسی با اعتقادات شدید به احکام اسلامی و حرکت‌های جهادی علیه بیگانگان شناخته می‌شود. البته نقش هلال بر روی این پرچم هم مخصوص کشورهای اسلامی است و از طرف دیگر قرار دادن شعار عدالت هم در شعارهای شورای انتقالی به پیوندهای مذهبی آن اشاره می‌کند. کشور دیگری که در این تحولات نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند، مصر است؛ مصر در اغلب زمینه‌های توسعه سیاسی، اجتماعی، فکری و دینی در جهان عرب و در سطحی وسیع‌تر در جهان اسلام پیشگام بوده است. بیش از دو دهه است که حاکمان این کشور دست به گریبان با نوعی احیای اسلامی هستند که دولت و نخبگان حاکم را به طور جدی به مبارزه طلبیده است. احیای اسلامی معاصر «بنیادگرایی اسلامی» به لحاظ منشأ و تجلیات ریشه‌های بسیار قوی - در حقیقت، ریشه‌های شکلی - در تجربه مصر دارد. این تجربه تأثیر منطقه‌ای و بین‌المللی بر اسلام فراملیتی و بر غرب داشته است. اخوان المسلمین مصر الگویی ایدئولوژیکی و

سازمانی مناسبی برای رشد و توسعه جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام، از شمال آفریقا تا آسیای جنوب شرقی به دست داده است. اسلام‌گرایان سودان، تونس، الجزایر، خلیج فارس، آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی همواره بر تأثیر شکلی اخوان المسلمین به ویژه حسن البنا (۱۹۰۶-۱۹۴۹) و سیدقطب (۱۹۶۶-۱۹۰۶) صحنه گذاشته‌اند و جزوات، کتاب‌ها و نوارهای کاست، عقاید آن‌ها را تا به امروز منتشر ساخته است. در دهه ۱۹۹۰ مصر نمونه اولیه‌ای از روابط پویا و متنوع میان دین و جامعه، درافتادن دین با دولت و تأثیر آن بر فرایند دموکراتیک‌سازی به دست داد. تجربه مصری حاکی از کنش‌گرایی اسلامی رادیکال، خشونت‌بار و انقلابی و نهادسازی سیاسی و اجتماعی بوده است. سیاست‌های مختلف دولت در مورد اسلام مبنی بر تلاش حکومت و نخبگان حاکم برای حفظ مشروعیت و زیست جهان خود، سبک زندگی، قدرت و امتیازات، قطب‌بندی فزاینده (مانند بسیاری از جوامع اسلامی) میان اسلام‌گرایان، سکولارها و مقامات دولتی، طرفداری و سپس نقض عهد مقامات حکومتی به فرایند دموکراتیک‌سازی، همه و همه با این اتهام توجیه می‌شد که بنیادگرایان، به دنبال «سوء استفاده» دموکراسی هستند. این سیاست‌ها سرانجام منجر به گسترش دامنه‌ها و تقابل نیروهای امنیتی دولت و افراتیون اسلامی و نیز گروه‌های میانه‌رو و انقلابیون خشونت‌گرا شد. (جان اسپورتیو/جان وال، ۱۳۹۰، ص ۳۲۵)

کنش‌گرایی اسلامی در مصر مانند اغلب کشورهای اسلامی نه تنها عقب‌نشینی نکرده، بلکه عمیقاً و وسیعاً ریشه دوانده و بر اثر یکسان انگاشته شدن آن با خطر بنیادگرایی رادیکال، انواع وجوه و چهره‌های توسعه سیاسی اجتماعی در حال افزایش است نه کاهش. مصر همچنان فضای بحران اجتماعی-اقتصادی و از خود بیگانگی فرهنگی است که در آن بسیاری شکست دولت و ایدئولوژی‌های سکولار را تجربه می‌کنند. حکومت و نخبگان حاکم در مواجهه با سرخوردگی فزاینده و مخالفان که در میان آن‌ها فعالان اسلامی صدایی پرتین‌تر، سازمان یافته‌تر و مؤثرتر دارند و مشروعیت اندکی دارند. هر اندازه حکومت در تأمین نیازهای اقتصادی-اجتماعی ناکام شود، مشارکت سیاسی را محدود کند، نسبت به جذب اسلام و اسلام‌گرایان بی تفاوت باشد و به غرب وابسته باشد، موجب توسل هرچه بیشتر به دلیل‌های سیاسی اسلامی شده است. اعاده الگوهای سرکوب سنتی، به

رغم دستاوردهای کوتاه مدتش، تنها به افزایش دامنه رادیکالیسم و بی‌ثباتی در بلندمدت خواهد انجامید. باز کردن نظام سیاسی و کمک به رشد جامعه مدنی قوی مشکلات خاص خود را در کوتاه مدت خواهد داشت، اما منافع بلند و توسعه مصر را تضمین خواهد کرد: «توسعه آتی جنبش اسلامی در گرو چگونگی برخورد (یا برخورد غلط) با آنانی است که در قدرتند و نه تعارض ذاتی میان اسلام و آزادی ... حکام مصری می‌توانند انتظار داشته باشند که شاهد اسلام باشند که مؤمنانه مهارت یا حماقت آن‌ها را در مملکت‌داری بازتاب خواهد داد.» (جان اسپوزیتور/جان وال، ۱۳۹۰، ص ۳۲۷)

موفقیت در انتخابات راه تدوام جریان بیداری اسلامی و استقرار حکومت‌های نو پا

در این بخش از مطلب به مبحث انتخابات می‌پردازیم. در این جا یافته‌های حاصل از گفتگو با اساتید و متخصصان و همچنین مبتنی بر منابع موجود، ارائه می‌شود. این مطلب در کنار توجه به انتخابات به عنوان یکی از زمینه‌های حضور مردم در صحنه برای ادای نقش خود به مشارکت‌کننده در حاکمیت و اداره جامعه، به شیوه‌های کسب اقتدار از طریق موفقیت در انتخابات نیز می‌پردازد. قطعاً در این وادی توجه به رسانه‌های جدید و امکانات ارتباطی، یکی از مؤلفه‌های اصلی مشروعیت بخشی از طریق موفقیت در انتخابات به واسطه این امکانات ارتباطی است. بنابراین بخشی از این مبحث نیز به رسانه‌ها، امکانات، پتانسیل‌ها و شیوه‌های به خدمت گرفتن برای پیروزی در انتخابات خواهد پرداخت.

انتخابات رقابتی آزاد بخشی جدایی‌ناپذیر از دموکراسی است. این‌گونه انتخابات تنها فرصت‌های نهادینه یا متداولی هستند که شهروندان برای انتخاب حاکمان خود در اختیار دارند. چند هفته تبلیغات انتخاباتی این فرصت را در اختیار رأی‌دهندگان قرار می‌دهد تا در جریان دفاعیات سیاست‌مداران از سوابق خود، انتقاد آنان از رقبایشان و خط‌مشی‌های پیشنهادی آنان برای آینده قرار بگیرند. پیکار انتخاباتی، گرایش‌ها و تفکرات یک نظام سیاسی را روشن‌تر می‌کند و انتخابات نیز نظر رأی‌دهندگان را در زمینه گذشته و اولویت‌های آینده احزاب

معلوم می‌کند. از این‌رو کیفیت انجام مبارزه انتخاباتی سیاستمداران و محدوده‌ای که آنان یک گزینش آگاهانه را در اختیار رأی‌دهندگان قرار می‌دهند، موضوع مهمی برای مطالعه و بررسی است.

فعالیت‌های انتخاباتی مدرن سه گروه مهم از بازیگران را شامل می‌شود، که در این میان رأی‌دهندگان بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. هر چند اختلاف نظرهایی در مورد رفتار رأی‌دهی و رأی‌دهندگان وجود دارد. (هیث، جاول و کرتیس ۱۹۸۵، ۱۹۹۱؛ رز و مک‌الیستر ۱۹۹۰)

این سه گروه عبارتند از :

۱- مردم: افکار عمومی

۲- رسانه‌ها و مبلغان سیاسی: اصحاب رسانه‌ها، مطبوعات، رادیو، تلویزیون و...

۳- سیاستمداران، مشاوران و مدیران مبارزات انتخاباتی: یعنی کسانی که

کارشان تأثیرگذاری بر رأی‌دهندگان است.

تبلیغات در انتخابات:

الف) اهمیت برنامه تبلیغات:

مهمترین خاصیت برنامه تبلیغ در دو نکته است:

✓ هماهنگی فعالیت‌ها

✓ مشخص بودن هدف

بدین معنی که در صورت در دست داشتن یک برنامه منظم تبلیغ، می‌توان فهمید در چه زمان و مکانی از کدام وسیله تبلیغ استفاده کرد، مانند هزینه و مجری طرح و غیره و بالاخره تمام اطراف و جوانب فعالیت‌های تبلیغاتی باید در برنامه‌ریزی تبلیغ مورد بررسی و پیش‌بینی واقع‌گرایانه قرار گیرد.

ب) کنترل برنامه تبلیغات:

کنترل برنامه تبلیغ یکی دیگر از ارکان در برنامه‌ریزی‌های تبلیغاتی است، برنامه تبلیغات انجام‌شده اعم از آن که بر مبنای مستقیم یا غیرمستقیم تنظیم و اجرا شده باشد، باید پیوسته مورد کنترل قرار گیرد (پس از دوره تبلیغات که در برنامه پیش‌بینی شده است).

ضرورت کنترل تبلیغات از آن جهت است که مراحل بعدی برنامه و یا برنامه‌های دیگری را که در آینده برای تبلیغات تنظیم می‌گردد، روش‌ها و وسایل بی‌اثر و حتی کم‌اثر تبلیغاتی هزینه‌های گزاف و بی‌ثمر از برنامه تبلیغ و بودجه آن حذف گردد.

برخی از یافته‌های مطالعه صورت گرفته:

• نمودار عوامل تأثیرگذار در فرایند انتخابات

در عرصه تبلیغات انتخاباتی نهادها، گروه‌ها و نیروهای متعددی ابعاد انتخابات را رقم می‌زنند. در این وادی برخی از این عناصر در سطح خرد و برخی دیگر در سطح کلان و سازمانی مطرح‌اند.



• شرایط سنجی موفقیت در انتخابات

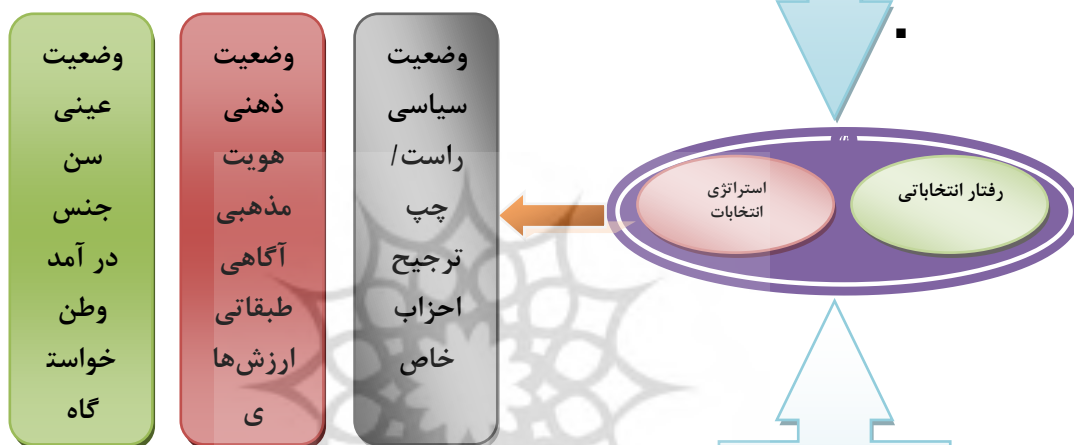
جدول زیر شیوه‌های کسب موفقیت در انتخابات مبتنی بر دیدگاه‌های اساتید و کارشناسان است.

نحوه موفقیت در انتخابات با تاکید بر شرایط سنجی
انتخابات:

جایگاه مردمی

شرایط انتخاباتی

وضعیت انتخاباتی
وضعیت نامزد
نظام انتخاباتی
نامزدها - احزاب
موضوعات

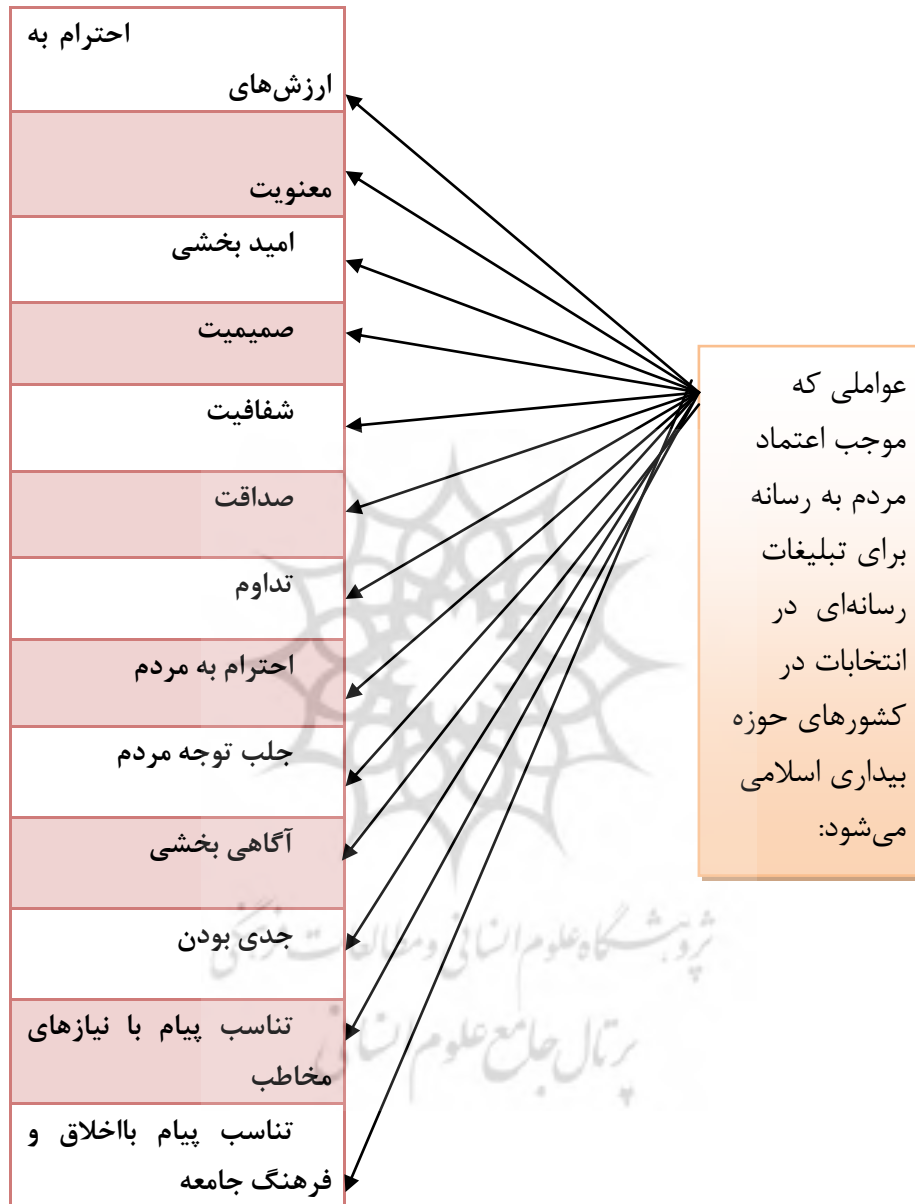


مقتضیات زمان
مقتضیات سیاسی
مقتضیات اجتماعی
مقتضیات اقتصادی
مقتضیات منطقه ای،
ملی و بین المللی

جایگاه مردمی

شرایط انتخاباتی

- عوامل رسانه‌ای اعتمادسازی برای کسب موفقیت در انتخابات در کشورهای حوزه بیداری اسلامی



- جدول شیوه‌های انسجام بخشی در انتخابات:
به منظور انسجام بخشی پیامگیران به ۳ شیوه در ذیل اشاره می‌شود:

تبلیغات موفق و کارآمدی تبلیغاتی	آگاهی بخشی عمومی نسبت به مشارکت در انتخابات	آموزش مردمی، سازماندهی و انسجام بخشی فعالیت‌های انتخاباتی
<p>۱- هدایت اجتماعی به سمت موفقیت در انتخابات</p> <p>۲- تقویت امید به آینده از طریق تبلیغات</p> <p>۳- گردآوری همفکران و همبستگی پیروان از طریق تبلیغات</p> <p>۴- توجه به ایدئولوژی و هدف فعالیت همه‌جانبه و برنامه‌ریزی شده تبلیغات</p> <p>۵- توجه به زمینه‌های اجتماعی که در آن تبلیغ انجام می‌شود</p> <p>۶- توجه به ساختار سازمانی تبلیغ</p> <p>۷- توجه به مخاطبان و علایق ایشان در انتخابات</p> <p>۸- توجه به اصول، فنون و شیوه‌های بهره‌گیری از رسانه‌ها در انتخابات</p>	<p>۱- مشارکت در انسجام بخشی رأی‌دهندگان از طریق تأکید بر قوانین و قواعد</p> <p>۲- جامعه‌پذیری سیاسی</p> <p>۳- پیوند منافع و تجمع منافع / همبستگی عمومی</p> <p>۴ - هماهنگی اقدامات کلان اجتماعی / سیاسی (انتخاباتی)</p> <p>۵- نظارت بر نهادها، ارگان‌ها و سازمان‌های حکومتی</p> <p>۶- همگن سازی و ادغام اجتماعی مجامع و جمعیت‌ها از طریق ارضاء و آشتی تقاضاهای گروهی / جناحی یا از طریق ایجاد یک نظام مشترک عقیدتی</p> <p>۷- همگن سازی و ادغام اجتماعی افراد از طریق بسیج و جامعه‌پذیری سیاسی</p> <p>۸- هدایت نخبگان، پرورش رهبران آینده جامعه و دولت</p>	<p>۱- آموزش در ابعاد مختلف انتخاباتی</p> <p>۲- تشویق افراد به شرکت در عرصه‌های انتخاباتی</p> <p>۳- شکل دادن به شیوه نگرش‌ها و معتقدات رأی‌دهندگان</p> <p>۴- آشنا کردن افراد جامعه به حقوق و وظایف خود و بالا بردن سطح دانش آن‌ها در زمینه انتخابات</p> <p>۵- اطلاع‌رسانی دانش سیاسی در باب انتخابات</p>

• نمودار جریان‌ی فرآیند مدیریت راهبردی انتخابات

مدیریت راهبردی تبلیغات انتخاباتی معرف یک جریان شناخت وضع موجود و ابعاد آن و شرایط گذار و ترسیم وضعیت مطلوب است. این امر در برنامه‌ریزی سازماندهی فعالیت‌های تبلیغاتی انتخاباتی امری ضروری است.



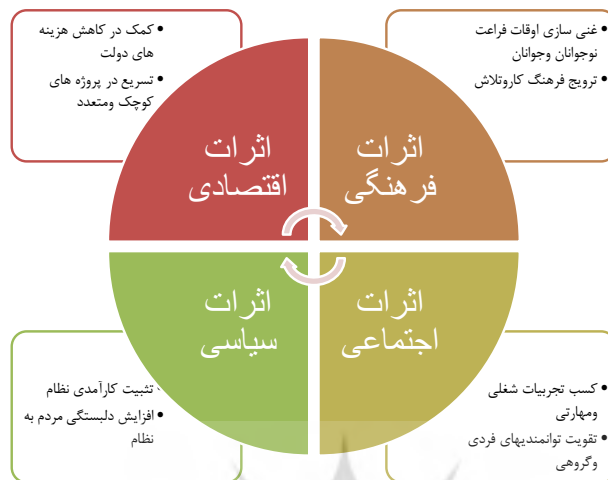
دو فصلنامه مطالعات
بیداری اسلامی

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

حوزه‌های اثربخشی فعالیت‌های انتخاباتی در کشورهای حوزه بیداری اسلامی

ابعاد مورد توجه در تبلیغات انتخاباتی و آماده‌سازی شعارها در بردارنده حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌شود که هر یک خود در بردارنده مؤلفه‌های ویژه آن حوزه است.

پژوهش‌های فلسفی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه گیری

انتخابات مقوله ای وسیع، پر دامنه و گاه پیچیده است، فرآیند آن با توجه به بسترهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع ممکن است دارای ساز و کارهای ویژه ای شود. در این مقاله تأکید بر اصول کلی انتخابات در کشورهای حوزه بیداری اسلامی بوده است، شرایط خاص کنونی در این کشورها الزامات خاصی را برای موفقیت در انتخابات پیش روی مسئولان یا سیاستمداران این کشورها قرار می دهد. در این جا به شکل بسیار اجمالی به برخی از ملاحظات مورد توجه در فرآیند انتخابات اشاره کردیم، امید آن که در مجال های آتی، یافته های دیگر مربوط به این عرصه را ارائه دهیم.

منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۶۶). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲. آشوری، داریوش (بی تا). *دانش نامه سیاسی*، تهران، انتشارات مروارید.
۳. اسپوزیتو، جان و وال، جان (۱۳۹۰). *جنبش های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)*، ترجمه شجاع احمدوند، تهران، انتشارات نی، چاپ دوم.
۴. اسعدی بیگی، لورکش (۱۳۷۹). *مجموعه مقالات اولین همایش صنعت تبلیغات*، تهران، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. اسماعیلی، محمد مهدی و احسان موحدیان (۱۳۸۸). "انتخابات در نظام جمهوری اسلامی و بررسی نقش رسانه ملی در آن"، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره یک، بهار ۱۳۸۸.
۶. بشیر، حسن (۱۳۸۶). *ظرفیت های رسانه ای جهان اسلام*، سلسله نشست های تخصصی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات تهران.
۷. بهشتی پور، حسن. «تحلیل تاریخی تحولات جاری خاورمیانه»
<http://www.presstv.com>
۸. حائری، عبدالهادی (۱۳۷۸). *نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
۹. حکیم آرا، محمدعلی (۱۳۸۴). *ارتباطات متصاعدگرانه تبلیغ*، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.

۱۰. روشه، گی (۱۳۶۶). *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
۱۱. سازمان تحقیقات بسیج (۱۳۷۹). *تهاجم فرهنگی از دیدگاه تاریخ*، تهران، چاپ اول.
۱۲. سعید، ادوارد (۱۳۸۲). *شرق شناسی*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۱۳. _____ (۱۳۸۲). *فرهنگ و امپریالیسم*، ترجمه اکبر افسری، انتشارات توس، چاپ اول.
۱۴. شربتیان، محمدحسن (۱۳۸۶). *درآمدی بر مبانی تبلیغات*، تهران، انتشارات سخن گستر.
۱۵. فرقانی، قدرت الله (۱۳۸۶). *نشریه مریبان*، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمستان.
۱۶. فیتونی، ل (۱۳۵۷). *امپریالیسم و کشورهای توسعه نیافته*، ترجمه، ع. هوشیار، تهران، انتشارات پیشگام.
۱۷. کاواناگ، دنیس (۱۳۸۰). *مبارزات انتخاباتی، آموزه‌های نوین در بازاریابی سیاسی*، ترجمه رضا حائر، تهران، نشر پنگان.
۱۸. گالبرایت، جان کنت (۱۳۸۱). *آنا تومی قدرت*، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، سروش.
۱۹. مطهری، مرتضی (بی تا). *نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر*، قم، انتشارات صدرا.
۲۰. محمدی، مجید؛ "فرهنگ توسعه"، شماره ۲۳. <http://www.bonyadeamin.com>
۲۱. معتمد نژاد، کاظم (۱۳۷۰). "جهان سوم در برابر سلطه ارتباطی و اطلاعاتی غرب"، فصلنامه رسانه، شماره مسلسل ۵.
۲۲. معتمد نژاد، کاظم (۱۳۷۰). "بررسی ریشه‌های تاریخی سلطه ارتباطی غرب در شرق"، فصلنامه رسانه، شماره ۷.
۲۳. مولانا، حمید (۱۳۹۰). «ویژگی‌های رسانه‌های زمینه‌ساز ظهور»، هفتمین اجلاس بین‌المللی مهدویت، تهران.
۲۴. نقیب السادات، سیدرضا (۱۳۸۷). "تهدیدهای رسانه‌ای و مدیریت بحران"، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۵.
۲۵. نقیب السادات، سید رضا (۱۳۹۰). "انتخاب مردم، اقتدار یابی نخبگان در کشورهای حوزه بیداری اسلامی"، انجمن فرهنگی ایرانیان، تهران.
۲۶. نقیب السادات، سید رضا (۱۳۹۰). "رسانه‌های فراگیر خبری و بیداری اسلامی"، مجموعه مقالات مهدویت، مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما.